

چرا حکمرانی خوب، یک ایده بداست؟



سیدرحمان موسوی

کارشناس ارشد مسائل بین الملل

روزی روزگاری نه چندان دور، مفسران و کارشناسان «حکمرانی خوب» را تنها عنصر مورد نیاز برای رشد و توسعه اقتصادی معرفی می کردند. برای سال‌های متدوامی، یکی از اصلی ترین توصیه‌ها، سیاست‌گذاری و اصلاحات نهادی بود. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۲، حکومت و توسعه، این واژه را متشکل از چهار جزء تعریف کرد: ظرفیت و کارایی در مدیریت بخش عمومی، پاسخگویی، چارچوب‌های قانونی برای توسعه اطلاعات و در آخر شفافیت. هرچه گذشت به این موضوع رسیدیم که این فرض که حکمرانی خوب مشکلات پیچیده اجتماعی و سیاسی را حل می‌کند ناقص است. به علاوه، برخی از منتقدان معتقدند که دستور کار حکومت داری خوب همیشه به منظور پوشاندن ساختارهای قدرت زیربنایی از طریق بالا بردن تصمیم‌گیری تکنوکراتیک بر مبارزات سیاسی بوده است. طرفداران حکمرانی خوب، خواه نخواست باشند و چه خواسته باشند، تمایل دارند که بر ظاهر و نه ماهیت تمرکز کنند: سوالات «چگونه» بر سوالات «چه چیزی» ارجحیت دارد. در همین حال، یک صنعت کامل برای تعریف و بازتعریف «حکمرانی خوب» توسعه شاخص‌ها به وجود آمد و این شاخص‌ها به یک «فناوری حکومت‌داری» جدید تبدیل شدند، با اندازه‌گیری‌هایی که به عنوان معیارهای عملکردی برای هدایت اقدامات و ایجاد بهبود واقعی عمل می‌کنند. نقدهایی درباره نحوه سنجش یا اجرای حکمرانی خوب کم نیست. اما هزینه‌های واقعی این مد از جمله اردحام فعالیت‌های سیاسی نتیجه‌محور در چنددهه گذشته – اخیراً آشکار شده است. به عنوان مثال، دستور کار حکمرانی خوب به طور قابل بحث ظرفیت سیاستگذاران را برای حل مشکلات پیچیده کاهش داده و توجه را از نیاز به پرداختن به زبان‌های اجتماعی – اقتصادی به روش‌های عادلانه و امکان پذیر از نظر سیاسی منحرف کرده است. تنظیم پارامترهای «درست» برای تصمیم‌گیری به طور خودکار نتایج درستی ایجاد نمی‌کند. دستور کار حکمرانی خوب با تمرکز تلوچی منحصر به فرد خود بر رشد اقتصادی، نیاز به نظر گرفتن پیامدهای توزیعی و اثرات خارجی منفی محیطی را کم اهمیت جلوه داده است. مانند گذشته، صنعت رانته متشکل از مشاوران، متخصصان روابط عمومی برای کمک به شرکت‌ها و کشورها در پیروی از پرچسب‌ها و استانداردهای همیشه در حال تغییر شکل گرفته و مانند گذشته، نتایج ملموس کمی وجود داشته است. سه دهه پس از ایجاد کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی، جهان همچنان با سرعت خطرناکی در حال گرم شدن است و اثرات تغییرات آب و هوایی به طور فزاینده‌ای مخرب و پرهزینه می‌شود. بدتر از آن، صنایع به شدت آلاینده توانسته‌اند در مذاکرات بین‌المللی جایگاهی را بر سر میز مذاکره به دست آورند، در حالی که فعالان اقلیمی جایگاهی ندارند. واقع برخی حتی – از جمله اصول قانون کفیری – به دلیل زیر پا گذاشتن قواعد بازی، کمی پارادایمی حکمرانی خوب که در اینجا در جاهای دیگر، عموماً برای دفاع از وضعیت موجود مورد استفاده قرار می‌گیرد، تحریم می‌شوند. توافقنامه اقلیمی پاریس در سال ۲۰۱۵ با تعیین اهداف مشخص و متعدّد ساختن دولت‌ها به محدود کردن میلیگن افزایش دما تا ۵.۱ درجه سانتیگراد بالاتر از سطوح پیش از صنعتی شدن، به دنبال اطمینان مسیور بود. کشورها به تهیه برنامه‌های عملی ملزم هستند که مشخص می‌کند چگونه به این اهداف دست خواهند یافت. هرچه دولت‌ها و صنایع تعهدات زیادی را برای رسیدن به انتشار گازهای گلخانه‌ای خالص تا اواسط قرن متعهد شده‌اند، اما هنوز نتوانسته‌اند به آن عمل کنند. در عوض، نخبگان بخش دولتی و خصوصی به بازی‌های پیگیری نسبت رسمی به جای تغییرات معنادار ادامه می‌دهند. برچسب‌ها، کدهای رفتاری نرم، گزارش‌ها و کمپین‌های روابط عمومی همچنان استراتژی‌های پیاده‌سازی ارجح باقی می‌مانند، حتی اگر یکی پس از دیگری به عنوان ناکارآمد و پرهزینه شده هفتاد ماده‌ای «حمایت از خانواده و حجاب اسلامی» که به تصویب مجلس رسیده نیز چندان کارساز نخواهد بود.

دریچه

علی صوفی:

مسأله مردم نامزدها و ارائه لیست‌ها نیست

دبیر کل حزب پیشرو اصلاحات، درباره انتخابات پیشرو اظهار داشت: در انتخابات باید دو رکن وجود داشته باشد؛ نخست انتخاب‌شونده و دوم انتخاب‌کننده. اکنون حتی اگر انتخابات‌شونده هم از سوی جبهه اصلاحات معرفی شوند، فعلاً خبری از رکن دوم یعنی انتخاب‌کننده نیست. اگر در سال ۹۴ چنین رکنی وجود داشت اما اکنون نیست. در آن سال‌ها شرکت‌کنندگان به رغم دلستر بودن و کتک زدن نامزدهای اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۸۴ و نیز شرایط انتخابات سال ۸۸ داشتند اما آماده برای شرکت انتخابات بودند. علی صوفی گفت: مسأله مردم نامزدها و ارائه لیست‌ها نیست. باید دید که مردم را چه طوری می‌شود امیدوار کرد تا بازهم به این نتیجه برسند که حل مشکلاتشان از طریق صندوق‌های رأی است. این فعل سیاسی همچنین بیان کرد: لیست سال ۹۴ هم حداکثری نبود و چهره‌های شاخصی در آن حضور نداشتند. من رئیس ستاد انتخابات تهران در سال ۹۴ بودم و در آخر فراخوان دادیم تا بتوانیم لیستی ولو ناشناس تهیه کنیم. مادر شهرستان‌ها توصیه می‌کردیم که اگر دو نامزد وجود دارند؛ یکی اصولگرای تندرو و یکی اصولگرای میانه‌رو، فرد میانه‌رو را انتخاب کنید تا مجلسی مانند مجالس هفتم، هشتم و نهم تشکیل نشود. در سال ۹۲ هم اصلاح‌طلبان برای ریاست جمهوری نتوانستند نامزد شاخصی معرفی کنند و ناچار به حمایت از آقای روحانی شدند اما در انتخابات سال ۹۸ رویکرد اصلاح‌طلبان ایجابی شد و شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گفت باید لیست نامزدهای اصلاح‌طلب می‌دهیم یا اگر نامزدی در صلاحیت هستند، لیست نمی‌دهیم که حالت دوم رخ داد. او درباره نامزدهایی که اکنون در پیش‌ثبت‌نام انتخابات را انجام داده‌اند، اظهار کرد: «اصلاح‌طلبانی که اکنون در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند باور به مشارکت بی‌قید و شرط هستند و نمی‌خواهند کمکی به مردم کنند.

امان... قرائی مقدم در گفت و گو با «آرمان ملی»:



نسخه نویسی برای جامعه به نتیجه نمی‌رسد

اغلب نسخه‌هایی که در گذشته برای جوانان نوشتیم بی‌نتیجه بود

باید دغدغه‌های جوان امروز را درک کرد

جوانان بالباسی که می‌پوشند خواسته‌های خود را بیان می‌کنند.

آرمان ملی – احسان انصاری: نمایندگان در جلسه علنی روز یکشنبه ۲۲ مرداد ماه مجلس شورای اسلامی پس از استماع نظرات موافقان و مخالفان، با تقاضای تعدادی از نمایندگان مبنی بر بررسی گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی در مورد لایحه یک فوریتی حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، به صورت اصل ۸۵ قانون اساسی با ۱۷۵ رأی موافق، ۴۹ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۸ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند. این در حالی است که از زمانی که این طرح توسط نمایندگان مجلس مطرح شده انتقادات نسبت به اجرای آن توسط نخبگان کشور وجود داشته است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این تصمیم مجلس با دکتر امان... قرائی مقدم، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. «این منطقی و کارشناسی شده نیست که بخواهیم با بگیر و ببند بر خی از زنان بی‌حجاب را مجاب به رعایت حجاب کنیم. در مسأله حجاب، دختران باید مجاب شوند نه اینکه اجابت کنند. اگر نصیحتی است خانواده باید انجام دهد نه مسئولان. جوانان بالباسی که می‌پوشند خواسته و نظرشان را می‌گویند.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

لایحه حجاب و عفاف در دستور کار نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار دارد. این در حالی است که انتقادهایی نسبت به اجرای این لایحه در بین نخبگان و افکار عمومی نسبت به اجرای این لایحه وجود دارد. اجرای این لایحه را در این شرایط چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ژرژ گوریچ، جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی معتقد است جامعه یک منظومه متعدد الابعاد، متعددالاجزا با سطوح جنبه‌ها و جلوه‌های گوناگون است که هر لحظه به رنگی درمی‌آید. به همین جهت نسخه‌نویسی در هر زمینه‌ای از امور اجتماعی به ویژه آموزشی و پرورشی و فرهنگی که توسط فلاسفه، اندیشمندان از افلاطون و ارسطو گرفته تا فارابی، توماس هابز و توماس کامپانلا... تا زمان حاضر توصیه و به‌کار گرفته شده همگی بی‌نتیجه بوده و در حافظه تاریخی باقی ماند. چنانکه نسخه نوشته شده و به‌کار برده شده در مورد دختران و پسران و سخت‌گیری‌هایی آموزشی که مریبان پرورشی پیش از چندین سال در مدارس در مورد رعایت حجاب اسلامی دانش آموزان نتیجه نداده است. به همین دلیل نمی‌توان برای جامعه نسخه‌نویسی کرد. این در حالی است که آثار و اعتراض نسبت به نسخه‌نویسی‌ها را در سال ۱۴۰۱ شاهد بودیم.

به همین جهت به جرأت می‌توان گفت که نسخه جدید پیچیده شده هفتاد ماده‌ای «حمایت از خانواده و حجاب اسلامی» که به تصویب مجلس رسیده نیز چندان کارساز نخواهد بود.

چرا معتقدید این لایحه کارایی لازم را نخواهد داشت؟

به دلیل اینکه از دیدگاه جامعه‌شناسی پیش‌بینی کردن و نسخه نوشتن در امور اجتماعی به خصوص زمینه‌های فرهنگی از دیدگاه فرهنگ‌رایان چون ویلم پری، والیوت اسمیت انگلیسی و گروینر و اشمیت آلمانی و فرانتس بواس آمریکایی و دیگران بسیار مشکل و غیرممکن است. حرکت و آینده فرهنگی جامعه را با توجه به تکنوکراسی و فناوری‌های گوناگون و فضای مجازی و رسانه‌ها به بنا به تعبیر مارشال مک لوهان کانادایی و هارولد لاسول آمریکایی همه امور فرهنگی را تحت سلطه خود قرار داده‌اند نمی‌توان به نتیجه مناسب آن اطمینان داشت. من معتقدم اجرای این طرح آسیب‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی تضادهای درون گروهی و پرخانگسری، به‌همراه خواهد آورد و همدلی و همزیانی و سرمایه‌اجتماعی را به قول فرانسوی فوکو یاما و جیمز کلمن و دیگران کاهش خواهد داد. چشم‌انداز این اتفاق از هم اکنون مشخص است. تجربه تاریخی پیش روی ماست. تجربه تاریخی نشان می‌دهد همه پیش‌بینی‌ها و نسخه‌نویسی‌ها به‌ویژه در امور فرهنگی که تاریخی طولانی و از یونان باستان و مدینه فاضله افلاطون آغاز و به امروز رسیده نتیجه چندان مفیدی در بر نداشته است.

شاید بر خورد پلیس با بدحجابی در کوتاه مدت بتواند موثر باشد اما در بلندمدت، معلوم نیست بتوان تاثیر قطعی از آن انتظار داشت. چون جنس اقدامات فرهنگی با انتظامی متفاوت است و افراد جامعه بیشتر پذیرای اقدامات فرهنگی هستند تا اقدامات سلبی و انتظامی. بی‌شک جوانان با آغوشی باز اقدامات فرهنگی را می‌پذیرند و حتی خودشان با این اقدامات همراه می‌شوند.

روسی و آشنایی آنها با عقاید و شیوه زندگی اشتراکی و بی‌طبقه به‌طوریکه بتوانند همه معلومات توانایی مهارت‌ها و شخصیت خود را در خدمت جامعه و اعضای فعالی برای جامعه اشتراکی و آگاهانه در خدمت جامعه سوسیالیستی باشند و هیچ کس فکری جز جامعه اشتراکی نداشته باشد و نتواند جدا از جامعه اشتراکی زندگی کند مدارس و پرورشگاه‌های شیانه‌روزی فراوانی تحت سرپرستی آنتوان سمیونوویچ ماکارنگو (۱۹۱۷-۱۹۲۸) ایجاد و به مدت بیست سال به تربیت نوجوانان و جوانان پرداخت به این امید که فرزندان مناسب جامعه سوسیالیستی پرورش یابند. این در حالی است که این افراد نه تنها تربیت نشدند بلکه آنتوان سمیونوویچ ماکارنگو مجبور بود برای مصون ماندن از حمله دانش آموزان سلاح به کمر ببندد و بعد هم بسته شد. در نتیجه می‌توان گفت که نسخه تصویب شده در مورد حمایت از خانواده و حجاب اسلامی با توجه به پیچیدگی که جامعه دارد چندان مفید نخواهد بود و ممکن است آسیب‌هایی به دنبال داشته باشد.

چه آسیب‌هایی اجرای این طرح می‌تواند به همراه داشته باشد؟

متأسفانه برخی از آنجا که یک‌بعدی فکر می‌کنند، هنوز معتقدند که با ارشاد و راهنمایی می‌توان کاری کرد. جوان امروز خودمختار و خردگراست و از عقل و دانش و درک خودش پیروی می‌کند. جوان امروزی دیگر دنبال روی حرف پدر و مادر نیست، بلکه از هم‌سن و سالانش، رسانه و فیلم الگوبرداری می‌کند و این منطقی و کارشناسی شده نیست که بخواهیم با بگیر و ببند حجاب را رعایت کنند. در مسأله حجاب، دختران باید مجاب شوند نه اینکه اجابت کنند. اگر نصیحتی است خانواده باید انجام دهد نه مسئولان. جوانان بالباسی که می‌پوشند خواسته و نظرشان را می‌گویند. باید این نسل را به عنوان نسل جدید قبول کنیم و تغییر را بپذیریم. جامعه دیگر به عقب بر نمی‌گردد و این سیاستگذاری‌ها هستند که باید اصلاح شوند، چراکه جوانان راه خودشان را می‌روند. حجاب یک موضوع فرهنگی است که برای مقابله با بدحجابی باید در سطوح مختلف جامعه، فرهنگ‌سازی صورت بگیرد، اما اقدامات سلبی در موضوعات فرهنگی همچون حجاب نمی‌تواند تاثیر صدروصدی داشته باشد و باید اقدامات ایجابی و فرهنگ‌سازی انجام شود. متأسفانه همه رسانه‌های بیگانه در این رابطه مزید بر علت شده و بعد از ۴۰ سال که از موضوع حجاب در جامعه ما می‌گذرد، اقدام فرهنگی قابل توجهی صورت نگرفته و نگاه به این موضوع صرفاً بر خورد با افراد بی‌حجاب با بدحجاب بوده است. این یک واقعتی است که جوان امروز در برابر باورها گذشته مقاومت می‌کند و تفکر او نسبت به جوان‌های چند نسل قبل تغییر کرده، با این رویکردها، اقدامات سلبی امکان تحقق و رسیدن به شرایط مطلوب را در جامعه ندارد و نمی‌توان آن را به شکل اجباری در افراد نهادینه کرد. شاید بر خورد پلیس با بدحجابی در کوتاه مدت بتواند موثر باشد اما در بلندمدت، معلوم نیست بتوان تاثیر قطعی از آن انتظار داشت. چون جنس اقدامات فرهنگی با انتظامی متفاوت است و افراد جامعه بیشتر پذیرای اقدامات فرهنگی هستند تا اقدامات سلبی. بی‌شک جوانان با آغوشی باز اقدامات فرهنگی را می‌پذیرند و حتی خودشان با این اقدامات همراه می‌شوند.

نگره

دستاوردهای تبادل زندانیان

ایران و آمریکا

هفته گذشته ایالات متحده آمریکا و ایران به توافقی برای تبادل زندانی در ازای آزاد شدن بخشی از اموال بلوکه‌شده ایران در خارج از کشور دست پیدا کردند و قرار شدیدی‌های کره جنوبی به ایران به حساسی در قطر منتقل شود و ایران از این پول‌ها برای خرید کالاهای بشردوستانه غیرتحریمی استفاده کند؛ توافقی که مشابه آن در حاشیه توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵ به انجام رسیده بود با این تفاوت که بدهی‌های آمریکا به ایران نه به صورت تسویه و با واسطه یک کشور ثالث که به صورت نقد با هواپیما به ایران منتقل شد و ایران قادر بود از این سرمایه برای هر هدفی که مدنظر داشت استفاده کند. پول‌هایی که تنها بخشی از آن در همان زمان صرف خرید هواپیما از فرانسه و نوسازی ناوگان هوایی کشور شد. توضیحات داده شده برای هر بینه‌دهی‌ای که اطلاعات پایه‌ای از اخبار سیاست خارجی ایران داشته باشد، بدیهی است. اما ظاهر رسانه‌ها و افراد نزدیک به دولت ترجیح دادند بدیهیات را نادیده بگیرند و جواری وانمود کنند که گویی این توافق، شاهکار است. رسانه‌های اصولگرا طی روزهای گذشته را صرف دستاوردسازی برای دولت کرده‌اند. کلیدواژه همه آن‌ها در توضیح توافق تبادل زندانی با آمریکا «صعب‌بیت اصلاح‌طلبان» است. استدلال این رسانه‌ها در توجه این ادعا این است که چرا رسانه‌های اصلاح‌طلب و شخصیت‌های حقیقی این جریان از توافقی که به ازای آزادی پنج زندانی آمریکایی به اتهام جاسوسی، ۶ میلیارد دلار ارزش بلوکه شده ایران در کره جنوبی را به حساسی در قطر واریز کرده خوشحال نیستند؟ پاسخ به این سوال هم در زمره توضیح درباره سفید بودن ماست، اما به دو دلیل اصلاح‌طلبان اشاره می‌کنیم: نخست اینکه سیاست «بکم و دو هوا» خسته‌کننده شده است. سال‌های گذشته بودجه قابل توجهی از بیت‌المال در صدا و سیما و برخی رسانه‌ها صرف حمله به توافق تبادل زندانی در دولت حسن روحانی شده است. سر یال گاندو با محوریت تخطئه دولت روحانی برای آزادی «جیسنو رضاییان» در ایران در ازای آزادی چند ایرانی و پول‌های بلوکه شده ایران در آمریکا ساخته شد. در این سریال دولت روحانی به دلیل آزادی یک زندانی تو باقیمتی جاسوس، غرب‌بگرا، دست‌نشانده می‌غیرت معرفی شد. کیهان هم در گزارش نوشت «میرکا توانست با توجه به فعالیت‌ها و دیپلماسی ایران» از ماجرای جیسنو رضاییان به مثابه ابزار فشاری بر ایران استفاده کند.

استاندارد دوگانه

افرادی نظیر علی باقری کنی که زمانی محمدجواد ظریف مورد هجمه قرار می‌دادند، این بار در توضیح فرآیند آزادسازی پول‌های ایران در کره جنوبی به «تضمین آمریکا» کتیبه کرده‌اند و اعلام کردند «ایران تضمین لازم برای پایبندی آمریکا به تعهدات خود را دریافت کرده است. همین رسانه‌ها و افراد که خشم جمهوری خواهان از برجام و سیاست‌های باین برای ایحای این توافق را نادیده می‌گرفتند، در سه روز گذشته با چراغ قوه به دنبال اعلام مواضع جمهوری‌خواهان در انتقاد از توافق دولت رئیسی برای آزادسازی پول‌های ایران در ازای تبادل به اصطلاح جاسوسان می‌گردند. نکته جالب اینکه نزدیکان دولت در مواجهه با موضوع مبادله زندانیان، دست به اقدام جالبی زده‌اند و تلاش کردند که سابقه نقد «تبادل زندانیان» را پاک کنند. آیا فکر می‌کنید رسانه‌های وابسته از این قیاس ساده بی‌اطلاعتند؟ پاسخ احتمالاً منفی است. خبرگزاری فارس در گزارشی که روز یکشنبه منتشر کرده از قول یک «مقام ارشد امنیتی» به تفاوت تبادل زندانیان انجام شده با آمریکا در این دوره و تبادل سال ۹۴ در حاشیه توافق هسته‌ای اشاره کرده و گفته «پرونده تبادل زندانیان در سال ۹۴ با اصرار طرف آمریکایی و همراهی کامل دولت وقت، از ضمایم نانوشته برجام را تبادل زندانیان قرار دادند، ولی این دوره، تبادل، پرونده‌های مختلفی بود. این مقام امنیتی یک اشاره ناقص دیگر هم به پول‌های آزاد شده کرده و گفته «حجم پول آزاد شده از ایران در این دوره ۵ تا ۶ برابر دفعه گذشته است.» اما نکته که برای حجم پول صرفاً برای واردات کالاهای غیر تحریمی و با نظارت آمریکا باید هزینه شود، این مقام گفته «زندانیانی که این بار مبادله شدند، دوره حکومت‌شان را در ایران سپرده کرده بودند. سخنان این وی در حالی است که طبق اعلام قوه قضائیه، «سیماک‌نمازی» سال ۲۰۱۶ به ده سال زندان محکوم شده و تا سال ۲۰۲۶ باید در زندان می‌ماند. «مراد طاهباز» بهمین ۱۳۹۸ به ده سال زندان محکوم شد و تا سال ۱۴۰۸ محکوم به حبس بود. «عماد شرقی» یک سال بعد یعنی سال ۹۹ به اتهام جاسوسی بازداشت و به ده سال حبس محکوم شد و متعاقباً تا سال ۱۴۰۹ باید در زندان می‌ماند. جالب‌تر اینکه در چند ماه پیش بدر سیماک‌نمازی، باقر نمازی را که سال ۱۳۹۵ به اتهام جاسوسی بازداشت و به ده سال حبس محکوم شده بود بدون هیچ چشم‌داشتی با عنوان «اقدم بشردوستانه» آزاد کرده بود. مخلص کلام اینکه هیچ ایرانی از باز شدن یک روزنه چندان کوچک تنفسی برای اقتصاد کشور راحت و عصبانی نمی‌شود. آنچه موجب عصبانیت است، استانداردهای دوگانه است.